

همراه با دانش آموزان مدرسه ای در حاشیه شهر

ای معلم! به وسعت نامت سپاس



شمن کریمی

«ای معلم تو را سپاس. ای آغاز بی پایان. ای وجود بی کران تو را سپاس. ای والا مقام ای فراتر از کلام تو را سپاس. ای که همچون باران بر کویر خشک اندیشه ام باریدی سپاست می گویم. تو را به اندازه تمامی مهربانی هایت سپاس می گویم. ای نجات بخش آدمیان از ظلم و جهل و نادانی، ای لبخند امید زندگی و غضبت مانع گمراهی، تو را سپاس می گویم. ای تو که با داستان پر عطوفت گل های علم و ایمان را در گلستان وجود ما می پرورانی و شاهد شیرینی دانش را بر کام تشنگان می ریزی، پس تو را ای معلم! به وسعت نامت سپاس می گویم.» با فرارسیدن روز معلم، با تعدادی از دانش آموزان دبستان سمیه ۲ به گفت و گو نشستیم که آنچه خواندید را نازنین زهرا بشکنی، یکی از دانش آموزان پایه پنجم این مدرسه، با بیان احساس خود درباره آموزگاراناش برایمان توصیف کرده است. ادامه گفت و گوی ما با سایر دوستان پرمهرتان را دنبال کنید.



یک لبخند قشنگ

مائده سلطانی کلاس چهارم است. او می گوید: اگر معلم ها نبودند به جز اینکه خواندن و نوشتن و کشف و اختراع رخ نمی داد شاید آدم ها نمی توانستند با هم حرف بزنند و مهربان باشند و دنیا مانند یک مدرسه خاموش و بی صدا یا یک باغ بدون گل می شد. زیرا معلم ها همان باغبانی هستند که در دل ما بذر دانایی و مهربانی می کارند. او بهترین هدیه به معلمش را یک لبخند قشنگ، یک دل پاک و مهربان و خوب درس خواندن می داند. مائده بزرگ ترین درسی که از آموزگاران خود تاکنون گرفته این بوده است که هیچ وقت ناامید نشود و همیشه تلاش کند و از اشتباه های خود برای بهتر شدن درس بگیرد.

